

بسم الله الرحمن الرحيم

شام، سرزمین تغییر و تحرک است؛ آن را دریابید!

(ترجمه)

در حالی که قلب‌ها به زیارت بیت الله شریف و ادای نماز در مسجد بهترین انسان‌ها و سلام دادن به رسول الله و اصحاب کرام وی (صلی الله علیه وسلم) می‌تپد، قطعه‌ی دیگری در روی زمین وجود دارد که توجه جهانیان را به خود جلب نموده و سیاسیون را آشفته گردانیده است. در آن جا ارتش‌ها گشت‌وگذار می‌نمایند و به خاطر آن کنفرانس‌ها برگزار می‌گردد.

آن قطعه‌ی زمین سرزمین شام است، انقلاب و جهاد است، تاریخ و جوهر است، دومین بهترین سرزمین‌هاست، سرزمینی است که اگر اهل آن فاسد گردد، در بقیه بندگان خیری نیست، آن سرزمین دریچه‌ی امنیت، آرامش و رهبری امت حین واقع شدن در فتنه‌هاست. اخبار این قطعه‌ی از زمین خون را منجمد ساخته و اعصاب را خسته می‌سازد و تمام جهانیان اخبار آن را تعقیب و دنبال می‌کنند.

اما کشورهای کفری اخبار آن را با دل هراسان و فکر پریشان تعقیب می‌کنند. از این در هراس هستند که نابودی حاکمیت و تمدن‌شان با دستان اهل شام - اهل ایمان - صورت بگیرد؛ به همین دلیل با تمام امکانات دست داشته‌ای خود برای این که مردمان را از راه الله سبحانه و تعالی باز دارند به کار می‌گیرند و نقش‌ها را به گونه‌ی ذیل تقسیم نموده‌اند:

شیوخ/ملاهای سودجو و دنباله‌روانِ دربار: وظیفه‌ی آنان گمراه‌سازی امت با تغییر حقایق و تحریف دین است، آن‌ها یاری دین را تروریزم، محاسبه حکام را فتنه، تسلیم شدن به غرب را مصلحت، آتش بس و مذاکره با کفار جنایت کار را سیاست شرعی نام‌گذاری می‌نمایند!

حکام مزدور: وظیفه‌ی آن‌ها به دو گونه است: بعضی از آن‌ها نقش ترور ملت‌ها، نابودی جریان‌های ظلم‌ستیزانه و اظهار مخالفت با انقلاب شام را به عهده گرفته‌اند و به ترساندن، تهدید نمودن و هشدار دادن امت از عواقب قیام علیه حکام و عاقبت واقع شدن در چیزی که سرزمین شام واقع شده است، آغاز کرده‌اند.

برخی از این‌ها در خلوت دست خود را بر سر نهاده و از بخت بد خویش شکایت می‌کند و دست دیگر خود را بر تخت ابریشمی نهاده و آن را حریصانه محکم گرفته‌اند، تا مبادا از دست‌شان برود؛ چنان‌چه از دست پیشینیان‌شان رفته است و نام‌های‌شان (قذافی، مبارک، بن علی و زین العابدین) به آن‌ها سودی نبخشید و بهره‌ای از آن نبردند. برخی دیگرشان مثل حکام ترکیه، سعودی، قطر؛ نقش آن‌ها اظهار دوستی و همکاری با انقلاب شام است و موضع‌گیری‌ها و بیانه‌های ایراد می‌نمایند که ظاهر آن دوستی و باطن آن عداوت، دشمنی و خیانت است.

رسانه‌ها: نقش‌شان، گریزان نمون مردم از اسلام سیاسی با این وصف که اسلام، اسلام سیاسی وحشت، ترور و سر بریدن است. در این زمینه رسانه‌ها را جریان‌های که تصویر درست از دین را دگرگون نموده‌اند مساعدت کرده است. هدف از اسلام سیاسی، اسلام عملی و تطبیقی و دور از خرافات است؛ یعنی اسلام سیاسی نظام خلافت راشده بر منهج نبوت است.

سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی: وظیفه آن‌ها بی‌راه ساختن انقلابیون و شورشیان از هدف‌شان و آماده‌سازی جای پا برای سازمان‌های سرمایه‌داری است. به عبارت دیگر وظیفه آن‌ها مردم را وادار ساختن به غوطه خوردن و پهلو گشتن در نظام سرمایه‌داری و ممانعت از خروج از آن می‌باشد.

جنبش‌های جدایی طلب و رهبری آن‌ها: وظیفه این‌ها دوباره به غارت بردن قدرت مسلمانان است که این قدرت را با انقلاب خود علیه ستم‌گران شام به دست آورده و یا نزدیک شده بودند.

علاوه بر این‌ها، موارد بسیاری از کارها و پروژه‌های وجود دارد که غرب به هدف به تاخیر انداختن بازگشت اسلام به راه می‌اندازد.

اما مسلمانان، اخبار سرزمین شام را تعقیب می‌کنند و اشک از چشمان‌شان جاری می‌شود و قلب‌های‌شان از اندوه، رنج و درد شگافته می‌شود و عقل‌شان از وحشت رویدادهای ادلب و حماة از سر به در می‌شود؛ هرگاه می‌خواهند حرکتی انجام دهند در مقابل‌شان حکومت‌های مزدور و خائن، دنباله‌روان استعمارگران و دوستان یهود می‌ایستند؛ تا این که به حالت ضعف و ناتوانی برسند؛ هرگاه آن‌ها (مسلمان‌های سایر سرزمین‌های اسلامی) مال اندک از دنیا و پول جمع‌آوری می‌کنند؛ گمان می‌برند که برادران خود و مجاهدین در شام را تعاون و همکاری نموده‌اند؛ اما مال ناچیزی دنیا نه بمباردمان را متوقف ساخت؛ نه از ناموس اهل شام دفاع کرد و نه سرزمینی را مسترد نمود؛ بلکه بدتر از این و تلخ‌تر این است که این اموال از طریق حکومت‌ها به اهل شام می‌رسد؛ نه از طریق برادران ایمانی و در چنگ گروه‌ها و سازمان‌های که به نفع حکومت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی فعالیت می‌کنند، می‌افتد؛ نه در دست امت و مستضعفین!

غرب تلاش دارد تا اهل شام از حالت بدبختی و ضعف دور نگردند؛ هرچند دارنده و مالک قضیه و مشکل هم باشند و آن‌ها را به گونه‌ای گردانیده که پس از سلب آرامش‌شان توسط گروه‌های فرقه‌گرا، به سوی غرب برگردند؛ چنان‌چه در فوق ذکر گردید؛ یعنی اراده و خواست مردم قربانی مصالح گروه‌ها گردید؛ سپس اراده و خواست مجاهدین قربانی مصالح و خواسته‌های رهبران گروه‌ها گردید؛ سپس زمام‌داری، فرمان‌روایی، حق و اختیار امت در قاب مزدوری و خیانت بر میز ترکیه و امریکا تقدیم گردید؛ اما اردوغان با بیدار شدن از خواب، با دهن پر به نیابت از اهل شام، اهل ایمان سخن می‌گوید!

اما با وجود حوادث مذکور تا هنوز اهل شام استقامت کرده و بر دشمنان خود خشمگین‌اند؛ پس مناطق ادلب حماة، مجاهدین و مسلمانانی که در اطراف آن قرار دارند حق دارند و شایسته است که توجه تمام جهانیان را جلب کنند؛ زیرا این سرزمین نقطه‌ی تغییر است و در این جا اگر به مواردی که در ذیل بیان می‌گردد، عمل نمایند، میز استعمارگران بر پلان‌ها و نقشه‌های استعماری‌شان دگرگون می‌گردد و بر صخره‌های آن کنفرانس‌های حيله‌گران و رؤسای کفار جنایت‌کار می‌شکند:

۱- بلند نمودن صدا جهت محاسبه رهبران گروه‌ها؛ تا این که با بلند نمودن آواز، کسی که از آنان به ناحق پشتیبانی می‌کنند معلوم گردد و در رأس این پشتیبانان ناحق و نمایشی علمای سودجو و جاهلان طبله‌زن قرار دارند.

۲- درخواست از مجاهدین مخلصی که در گروه‌ها تنظیم‌اند و یا جداگانه فعالیت دارند و یا حتی کسانی که سلاح خود را از وابسته‌گی ملول و خسته‌گونه به زمین گذاشته‌اند، کتبی‌ها و لشکرهای نظامی غیروابسته‌ای تشکیل دهند که شعارشان این باشد "رزق من تحت سایه شمشیر گردانیده شده است"؛ نه چیزی که کشورهای حمایت‌گر با اوامر و توجیهاات خود می‌خواهند.

۳- اعلام حمایت کامل از هر مجاهدی که از گروه‌های وابسته جدا شده و مستقلانه برای گشودن معرکه الساحل که فشار را از حومه حماة قلت می‌بخشد و دریچه‌ی سرنگونی و شکست نظام شمرده می‌شود، مبارزه می‌نماید. تا باشد که الله سبحانه و تعالی با برپایی حکومت اسلامی خلافت را شده بر منهج نبوت ما را عزت‌مند سازد.

نویسنده: استاد احمد حاج محمد

منبع: جریده الرایه

مترجم: حمزه پارسا